

The Impact of Media Representation of Crime on Fair Trial with Emphasis on Atena Aslani Case

Mosayeb Ghadami Azizabad: Doctoral student of criminal law and criminology, faculty of law and political science, Mazandaran University (corresponding author), Babolsar, Iran.
email: mosayeb.ghadami@yahoo.com

One of the most important functions of cultural criminology is to focus on media representation of crime and media criminalization. However, media representation, just as it affects the occurrence of crime and, through encoding specific messages in various media, tries to advance the goals of moral employers in society to exploit citizens' moral fear of criminalization, has the same ability to influence the fair trial process to the same extent and in the same way; in such a way that after committing some crimes, in order to convince the moral employers of society, they try to convict the defendants before the completion of the proceedings in the judicial authorities. The intensity and extent of imposition of this representation in the criminal trial process depends on the degree of tendency and dependence of these media to moral employers in society. In this article, through content analysis of the case of the murder of Atena Aslani in the media, both written and visual, an attempt has been made to examine the impact of media representation on the principles of fair trial. The result of this research is that its media representation, due to being influenced by criminal populism and on the other hand the role of those in power before issuing a final verdict, the media conviction of the accused in the case occurred in the form of media symbolism, and therefore the trial in this case was violated due to the violation of principles such as innocence and trial within a reasonable time.

Keywords: Cultural criminology, media representation, fair trial, moral panic, Atena Aslani.

تأثیر بازنمایی رسانه‌ای جرم بردادرسی منصفانه با تأکید بر پرونده آتنا اصلانی

نوشته

مصیب قدمی عزیزآباد*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

چکیده

یکی از مهم‌ترین کارکردهای جرم‌شناسی فرهنگی تمرکز بر بازنمایی رسانه‌ای جرم و جرم‌انگاری رسانه‌ای است. اما بازنمایی رسانه‌ای همان‌گونه که بر وقوع جرم تأثیرگذار است و از طریق رمزگذاری پیام‌های خاص در انواع رسانه‌ها سعی در پیشبرد اهداف کارفرمایان اخلاقی در جامعه جهت بهره‌برداری از هراس اخلاقی شهروندان برای جرم‌انگاری دارد به همان میزان و با همان روش توان تحت تأثیر قراردادن جریان دادرسی منصفانه را دارد؛ به‌گونه‌ای که بعد از ارتکاب بعضی جرایم در راستای اقناع کارفرمایان اخلاقی جامعه قبل از اتمام رسیدگی در مراجع قضایی اقدام به محکومیت متهمان می‌کنند. شدت و میزان تحمیل این بازنمایی در روند دادرسی کیفری بستگی به میزان گرایش و وابستگی این رسانه‌ها به کارفرمایان اخلاقی در جامعه دارد. در این مقاله از طریق تحلیل محتوای پرونده قتل آتنا اصلانی در رسانه اعم از نوشتاری و دیداری سعی شده است که تأثیر بازنمایی رسانه‌ای بر اصول دادرسی منصفانه مورد بررسی قرار بگیرد. نتیجه حاصل از این پژوهش این است که بازنمایی رسانه‌ای آن به دلیل تأثیرپذیری از پوپولیسم کیفری و از طرفی نقش صاحبان قدرت قبل از صدور حکم قطعی، محکومیت رسانه‌ای متهم پرونده در قالب نمادسازی‌های رسانه‌ای رخ داده و لذا دادرسی در این پرونده به دلیل خدشه به اصولی چون برائت و رسیدگی در مدت معقول نقض شده است. کلیدواژه: جرم‌شناسی فرهنگی، بازنمایی رسانه‌ای، دادرسی منصفانه، هراس اخلاقی، آتنا اصلانی.

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)، بابلسر، ایران mosayeb.ghadami@yahoo.com

نحوه استناد به این مقاله: قدمی عزیزآباد، مصیب (۱۴۰۳). تأثیر بازنمایی رسانه‌ای جرم بردادرسی منصفانه با تأکید بر پرونده آتنا اصلانی. رسانه، ۳۵(۳)، ۱۳۱-۱۵۳.

مقدمه

یکی از رویکردهای انتقادی در حوزه جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی "جرم‌شناسی فرهنگی"^۱ است که محصول شرایط پیش‌آمده در دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد است (آقایی، ۱۳۹۷: ۲۷). در جرم‌شناسی فرهنگی هم از ساختارهای فرهنگی جامعه که موجب وقوع جرم می‌شوند صحبت می‌شود و هم از بازنمایی رسانه‌ای^۲ وقایع خاص (پرسدی، ۱۳۹۶: ۷). این جهت‌گیری با تکیه بر دیدگاه‌های مطالعات فرهنگی، نظریه پست‌مدرن، نظریه انتقادی، و جامعه‌شناسی تعامل‌گرا، و روش‌شناسی قوم‌نگاری و تحلیل رسانه/متن، موضوع‌های تصویر، معنا، بازنمایی را در تعامل جرم و کنترل جرم برجسته می‌کند. (فرل^۳، ۱۹۹۷: ۳۹۵).

امروزه رسانه‌ها با پیشرفت فزاینده فناوری، هم از حیث کمی و هم از حیث کیفی، در حال رشد هستند؛ رسانه‌هایی که هر روز مؤثرتر واقع می‌شوند و با تأثیر گذاشتن بر زندگی اجتماعی، فرهنگ، اخلاق، تفکر، دین، هنر و سایر ابعاد زندگی بشر را تغییر می‌دهند (دیباچی و رئیس میرزایی، ۱۳۹۰: ۵۰، آزادی احمدآبادی، ۱۴۰۲: ۳۰). یکی از این مبادی اثرگذار رسانه تأثیر بر نظام عدالت کیفری است که از شکل دهی به پدیده‌های خاص یعنی جرم و انحراف (مجرمیت رسانه‌ای^۴) تا اثرگذاری برفرآیند رسیدگی و تصمیم‌گیری در مورد وقایع مجرمانه را در بر می‌گیرد. بشر امروزی بسیاری از رفتارهای خود را از رسانه‌ها فرا می‌گیرد (مانی‌فر و هوسپیان، ۱۴۰۲: ۱۶۴) و از طرفی رسانه‌ها نظر و گرایش‌های فکری عامه مردم را در قالب پیام‌ها و خبرها، تصاویر و ... رمزگذاری^۵ می‌کنند و این پدیده و محصول رمزگذاری شده را به نحو گسترده‌ای بازنمایی می‌کند، بازنمایی‌ای که در راستای سیاست اقتصادی سیاست‌گذاران جامعه یا کارفرمایان اخلاقی^۶ بوده و تمامی تلاش خود را به‌کار گرفته است که از این طریق فرآیند عوام‌گرایی کیفری^۷ را برای پیاده‌سازی سیاست‌های خود در حوزه عدالت کیفری را به‌کار گیرد و مسئولان نظام عدالت کیفری را هم صدا با نظرات خود کند و به‌طور معمول از طریق جرم‌انگاری و افزایش مجازات و ... به سیاست‌های خود نائل می‌آید. این بازنمایی‌ها که غیرواقعی بوده و

1. Cultural criminology
2. Media Representation
3. Ferrell
4. Media Criminalization
5. Encryption

۶. در تعریف کارفرمایان اخلاقی آمده است که «افرادی که هنگام احساس خطر برای ارزش‌های غالب فرهنگی یا اجتماعی به هراس اخلاقی دامن می‌زنند. کارفرمایان اخلاق که خواستار مقابله با بی‌نظمی و بی‌قانونی هستند معمولاً اقدامات کنترلی را ناکافی می‌دانند» (الله‌وردی، فرجیها، ۱۳۹۳: ۴) در واقع این کارفرمایان اخلاقی صاحبان ایدئولوژی‌های برجسته و غالب در جامعه هستند که وقوع برخی رفتارها را به دلیل این‌که موقعیت اجتماعی، مذهبی، اقتصادی آنها را به خطر می‌اندازد و در مقام هدایت کردن نظام عدالت کیفری برای به‌کارگیری سیاست‌های شدید برمی‌آیند.

7. Criminal Populism

فقط مبتنی بر نگاه‌های پوپولیستی است دستگاه عدالت کیفری را از مسیر واقعی خارج می‌کند و موجب نادیده‌گرفتن حقوق متهم می‌شود (میرخلیلی و عزیزی، ۱۳۹۸: ۷۱).

حال در مرحله بعد از جرم‌انگاری یعنی مرحله اجرای مقررات تصویب‌شده، رسانه‌ها تمام سعی خود را به‌کار می‌گیرند تا سیاست‌های تحمیل‌شده را به منصفه ظهور برسانند، به این نحو که گاه غایت بازنمایی رسانه‌ای نه جرم‌انگاری یک رفتار خاص، بلکه تأیید یک مجازات خاص برای یک عمل مجرمانه خاص یا رسیدگی مختصر و بدون رعایت کامل اصول دادرسی منصفانه است. در واقع رسانه‌ها «با انعکاس اخبار مربوط به پدیده‌های جنایی، نگرش خاصی را به مردم تحمیل می‌کنند و چگونگی قضاوت و داوری آنان درباره جرم و عدالت کیفری را سازمان می‌دهند» (فرجیها، ۱۳۸۵: ۵۸). رسانه‌ها با خطرگرفتن از کارفرمایان اخلاقی در جامعه که در پی سلطه خود بر روابط اجتماعی شهروندان هستند و رفتارهای قیم‌آبانه‌ای دارند با ایجاد هراس اخلاقی^۲ از طریق رمزگذاری‌هایی که در متون، اخبار و تصاویر منعکس می‌شوند سعی در همراهی مردم با خود برای اعمال نظر و عقیده خود در مورد چگونگی برخورد با یک پدیده جنایی به وقوع پیوسته را دارند. در واقع هراس اخلاقی از نتیجه غیرارادی تمرین روزنامه‌نگاری به هدف رسانه‌ها تبدیل شده است (مکرابی و وثوقن^۳، ۱۹۹۵: ۵۶۰). هدفی که محرک اصلی آن کارفرمایان اخلاقی در جامعه هستند؛ کارفرمایانی که با علم به اقبال پذیرش جنجال‌های رسانه‌ای از سوی مردم، در تلاش برای سرپوش نهادن بر قصور خود در عملی کردن سیاست‌های کلان جنایی در جامعه هستند، و لذا هراس اخلاقی هدف رسانه است. در این چرخه هر اندازه رسانه‌ها از استقلال کمتری برخوردار باشند بازنمایی‌ها با قدرت بیشتر و با تلاش برای واقعی نمایش دادن واقعیت‌ها عمل می‌کنند.

حال در مورد پرونده مورد بحث یعنی پرونده قتل آتنا اصلانی^۴ که یکی از پرونده‌هایی است که در دهه ۹۰ بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشته و کارفرمایان اخلاقی در جامعه را از توجه به حل ریشه‌ای مسائل در کشور به چگونگی هدایت رسانه‌ها برای ایجاد مقبولیت در نزد عموم و قهرمان‌نمایی خود سوق داده است از منظر جرم‌شناسی فرهنگی بال‌آخص بازنمایی رسانه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا بازنمایی رسانه‌ای این جرم

1. Fair Trial

2. Moral Panic

3. Mcrobbie & Thornton

۴. آتنا اصلانی شش‌ساله در تاریخ ۱۳۹۶/۰۳/۲۸ در حالی که در کنار بساط لباس‌فروشی پدرش در شهر پارس آباد استان اردبیل بوده به یک‌باره ناپدید می‌شود و بعد از روزها جست‌وجو توسط مردم و نیروهای پلیس توسط دوربین‌های مدار بسته در همان حوالی بساط پدرش متوجه می‌شوند که آتنا از همان محل دور نشده است و بعد از تحقیق و تفحص بسیار به فردی که دارای پیشه رنگرزی بوده به نام اسماعیل جعفرزاده مشکوک می‌شوند، و در تاریخ ۱۳۹۶/۰۴/۱۹ جسد آتنا در پارکینگ شخص مظنون پیدا می‌شود و معلوم می‌شود که توسط این فرد به قتل رسیده است و البته قبل از قتل مورد آزار و اذیت جنسی نیز قرار گرفته است و بعد از صدور حکم اعدام و تأیید آن در دیوان عالی کشور سرانجام در تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۹ حکم اعدام وی اجرا شد.

بر دادرسی منصفانه تأثیرگذار بوده است؟ و این که در فرض اثرگذاری از چه طریقی دادرسی منصفانه را تحت تأثیر قرار داده است؟

در این مقاله بعد از بیان مقدمه، تأثیر بازنمایی رسانه‌ای جرم بر دادرسی منصفانه با تأکید بر پرونده آتنا در سه بخش مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا پیشینه، مفاهیم و مبانی نظری تحقیق مورد بررسی قرار گرفته، سپس روش تحقیق بیان شده است. در ادامه یافته‌های تحقیق در سه قسمت؛ عوامل تأثیرگذار بر بازنمایی گسترده قتل آتنا در رسانه‌ها، بازنمایی رسانه‌ای پرونده آتنا و محکومیت رسانه‌ای و بازنمایی رسانه‌ای پرونده آتنا به مثابه عاملی برای تحمیل دادرسی حداقلی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

با وجود این که در مورد بازنمایی رسانه‌ای جرم تألیفاتی در قالب مقاله و گاهی کتاب موجود است لیکن در ارتباط با تأثیر بازنمایی رسانه‌ای جرم بر دادرسی منصفانه به خصوص با موضوع یک پرونده معروف جنایی مانند پرونده آتنا اصلاهی هیچ تألیفی تاکنون نگاشته نشده است؛ بنابراین موضوع این مقاله جدید است.

مفهوم‌شناسی

۱. بازنمایی رسانه‌ای

بازنمایی رسانه‌ای روشی است که رسانه‌ها، ایده‌ها و موضوع‌های خاصی را از دیدگاه ایدئولوژیک یا ارزشی خاص به تصویر می‌کشند.^۱ در واقع بازنمایی رسانه‌ای، بازنمایی کلیشه‌ای از گروه‌های اجتماعی از طریق بسترهای رسانه‌ای است.^۲ «بازنمایی‌ها تشکیل‌دهنده فرهنگ، معنا، دانش در مورد خود و دنیای اطراف ما هستند. فراتر از انعکاس واقعیت بازنمایی در رسانه‌ها مانند فیلم، تلویزیون و روزنامه واقعیت را ایجاد می‌کند و جهان‌بینی‌ها یا ایدئولوژی خاصی را عادی می‌کند» (فرسیچ، ۲۰۱۰: ۱۱۵). در واقع رسانه‌ها در دنیای امروز به جای بازتاب واقعیت موجود، تلاش می‌کنند که واقعیت را به‌طور واقعی نشان دهند، یعنی آنچه که مخاطب رسانه دریافت می‌کند خود واقعیت نیست بلکه نمایشی است از واقعیت که توسط صاحبان قدرت به جای واقعیت نمایش داده می‌شود. امروزه رسانه‌های گروهی به‌عنوان یک انجمن^۴ عادی‌سازی برای ساخت اجتماعی واقعیت عمل می‌کنند (فرسیچ، ۲۰۱۰: ۱۱۳).

1. <https://media-studies.tki.org.nz/teaching-media-studies/media-concepts/representation>

2. <https://www.studysmarter.us/explanations/social-studies/the-media/media-representations/>

3. Fursich

4. Forum

۲. دادرسی منصفانه

منصفانه بودن دادرسی در دوران مدرن قانون‌گذاری در جهان، غایت دادرسی و تضمین‌کننده دادرسی در جهت انسانی‌تر کردن رسیدگی‌های قضایی است و در واقع «یکی از جلوه‌های حمایت از فرد دادرسی منصفانه است» (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۵۷). به همین جهت یکی از حقوق بشر و از اِلمان‌های دموکراسی در هر کشوری به حساب می‌آید.^۱ دادرسی منصفانه در مقررات بین‌المللی مانند مواد ۱۰ و ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و قوانین ملی مانند اصول ۳۷ و ۳۹ قانون اساسی و مواد متعددی از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (مواد ۲ تا ۷ و ماده ۹۶ و ...) و قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳ مورد پذیرش قرار گرفته است. در تعریف دادرسی منصفانه بیان شده است که «وضعیتی است که در آن هر یک از طرفین دادرسی بتواند از ادعای خود در شرایطی دفاع کند که او را در حالت نامساعدتری نسبت به طرف مقابل خود قرار ندهد» (خالقی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۲۳) برای دادرسی منصفانه اصولی مانند دادگاه صالح، علنی بودن، اصل بی‌طرفی، حفظ آبروی طرفین، حق رسیدگی در مدت معقول، مهیا شدن برای دفاع، حق داشتن وکیل، رسیدگی در مدت مناسب در نظر گرفته شده است (محمد علی زاده اشکلک و رشیدی، ۱۳۹۹: ۱۵۵-۱۶۱) که نادیده گرفتن هر یک از این اصول منجر به نقض منصفانه بودن دادرسی می‌شود. در این مقاله فقط مصادیقی به شرح ذیل از اصول دادرسی منصفانه که بیشتر در نتیجه بازنمایی رسانه‌ای قتل آتنا مورد تعرض قرار گرفته‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) اصل برائت^۲: یکی از اصول مهم در حقوق کیفری اصل برائت است. اصلی که زیربنای دادرسی منصفانه در رسیدگی کیفری است. در واقع اصل برائت «قضات را از پیش‌بینی مجرم بودن متهمان منع می‌کند» (برادران^۳، ۲۰۱۱: ۷۷۶). مطابق این اصل تا وقتی که مدعی گناه متهم را ثابت نکرده است وی بی‌گناه فرض می‌شود (شمس ناتری، ۱۳۸۱: ۶۶). به دلیل اهمیت زیاد این اصل در سرنوشت دادرسی و در جهت حمایت از شخص متهم که هنوز دلایل محکومیت بر علیه او ارائه نگردیده و محکومیت وی در دادگاه صالح ثابت نشده است. در اصل ۳۷ قانون اساسی^۴، بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸^۵، ماده ۴ قانون آیین دادرسی

1. www.fairtrails.org

2. presumption of innocence

3. Baradaran

۴. اصل ۳۷ قانون اساسی «اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت شود».

۵. بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ «هرکس که به بز هکاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوی عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد تقصیر او قانوناً محرز گردد».

کیفری ۱۳۹۲ و بند ۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳ به روشنی مورد اشاره و تأکید قرار گرفته شده است.

ب) اصل ممنوعیت انتشار مشخصات متهم. ممنوعیت انتشار مشخصات متهم تا قبل از محکومیت در راستای اصل برائت و فرض بی‌گناهی متهم است. در واقع فلسفه و مبنای این اصل جلوگیری از انگ‌خوردن شخصی است که ممکن است بعد از طی مراحل دادرسی بی‌گناهی وی محرز شود و در صورت انتشار مشخصات وی حتی با اثبات بی‌گناهی ممکن است بسیاری از مردم وی را به‌عنوان یک شخص مجرم تلقی کنند و در روابط اجتماعی با وی با احتیاط رفتار کنند و از طرفی در طی مراحل دادرسی با شناسایی وی یا محل سکونت وی به‌خصوص در پرونده‌هایی که ممکن است احساسات عمومی را جریحه‌دار کرده باشند برای خانواده وی و خود متهم در مواردی که ممکن است به‌دلایلی تحت قرار کیفری در طول دادرسی آزاد باشد مورد اذیت و آزار قرار گیرند، و این حالت و شرایط روحی که حاکی از حمایت مردم از طرف دیگر دعوا دارد موجب می‌شود دادرسی از حالت منصفانه بودن خود خارج شود و آبروی فردی و خانوادگی متهم خدشه‌دار شود. لذا به‌دلیل اهمیت این اصل قانون‌گذار آن را در ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به رسمیت شناخته است.

پ) اصل برابری سلاح‌ها^۳. به‌دلیل این‌که جرایم جنبه عمومی دارند و کم‌وبیش باعث اختلال در نظم عمومی می‌شوند «در اغلب موارد قدرت عمومی به حمایت از بزه‌دیده و جامعه برخاسته و تمامی توان خود را به‌کار می‌بندد تا اتهام را اثبات کند» (اشرفی، ۱۳۹۸، ۲۲). اما از آنجایی که فلسفه دادرسی کیفری شنیدن ادله و اظهارات طرفین دعوا و نیز دادن فرصت و امکان برابر در جهت اثبات جرم (از جانب دادستان) و تبرئه از اتهام وارده (از جانب متهم) است، نمی‌توان از قدرت حاکمیتی فراتر از آن چیزی که لازمه تعقیب و رسیدگی به جرایم است استفاده کرد و هیچ نهاد یا فردی نمی‌تواند اقدامی جانبدارانه از طرفین یک جرم به‌عمل آورد و این یعنی برابری سلاح‌ها، که البته نتایج فاسد نادیده‌گرفتن این اصل نقض اصول مهمی چون

1. Stigmatization

۲. «انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است:

الف) متهمان به ارتکاب جرایم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به‌دست آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود.

ب) متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نا معلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوی خصوصی توسط آنان، منتشر می‌شود.»

3. Equality of Arms

بی طرفی و استقلال مقام قضایی را نیز در پی دارد.

ج) اصل رسیدگی در مدت معقول و مناسب. فرایند دادرسی مطابق قانون آیین دادرسی کیفری دارای مراحل مختلف با مدت زمانی گاه مشخص است که عدم رعایت هر کدام از آن‌ها می‌تواند دادرسی را از مسیر منصفانه بودن خارج کند، مراحل چون تحقیقات مقدماتی در دادسرا (شامل ابلاغ‌ها، جلسه (جلسات) رسیدگی، تحقیقات محلی، ارجاع به کارشناسی، اخذ آخرین دفاع از متهم، قرار جلب به دادرسی، صدور کیفرخواست و ...)، رسیدگی در دادگاه بدوی (تحقیق از طرفین، جلسه (جلسات) رسیدگی، اخذ آخرین دفاع از متهم، صدور حکم) و در آرای غیر قطعی رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر و یا دیوان عالی کشور. حال با حدوث شرایطی چون جریحه‌دار شدن احساسات عمومی یا دستور مقامات نمی‌توان حق متهم در برخورداری از یک رسیدگی منصفانه که باید در مدت معقولی صورت گیرد را فدای فوریت و تأمین عوام‌گرایی و گاهی دستورپذیری از مقامات دولتی کرد. بنابراین نمی‌توان مواردی چون ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ را که بر رسیدگی و اتخاذ تصمیم در کوتاه‌ترین مهلت ممکن تأکید کرده است دستاویزی برای رسیدگی اختصاری و فوری در تمامی پرونده‌ها و نادیده‌انگاری اوقات و اقدام‌های قانونی قرار داد.

رویکردهای نظری به بازنمایی رسانه‌ای و دادرسی منصفانه

فرایند بازنمایی رسانه‌ای و تحت‌تأثیر قراردادن دادرسی منصفانه فرایندی پیچیده است. به این معنی که به‌طور دقیق نمی‌توان عامل یا عوامل تحریک‌کننده رسانه‌ها برای بازتاب گسترده پدیده‌های جنایی را مشخص کرد. اما با این حال بعضی نظریه‌های ارائه‌شده تا حدودی پاسخ روشنی را به این مسئله داده‌اند. مهم‌ترین این نظریه‌ها، نظریه تحمل قدرت حاکم و نظریه نفوذ پوپولیسم در دادرسی‌های کیفری است.

نظریه تحمل قدرت حاکم

مطابق این نظریه تأکید رسانه‌ها در مورد جرم و جنایات نگرانی عمومی را افزایش می‌دهد و این نگرانی و التهاب موجب می‌شود صاحبان قدرت از این نگرانی به‌وجود آمده به‌عنوان معیارهایی برای سنجش سیاست‌های کیفری استفاده کنند و این تأکید رسانه‌ای حمایت از سیاست‌های تنبیهی را افزایش می‌دهد (سان‌بیل^۱، ۲۰۰۶: ۳۹۸) این سیاست نه تنها در مرحله قبل از رسیدگی به یک جرم خاص برای افزایش مجازات است بلکه در زمان رسیدگی به جرمی که منتهی به یک دادرسی حداقلی می‌شود نیز وجود دارد. در واقع مطابق این نظریه افراد صاحب قدرت با به جریان انداختن هراس اخلاقی توسط رسانه‌ها در پی منحرف کردن توجه

1. Sun Beale

مردم از حل مشکلات به سمت مسائل دیگری هستند (آقایی، ۱۳۹۷: ۲۲۹). صاحبان قدرت با تحمیل سیاست‌هایی چون فوریت در رسیدگی و سیاست انزجار از متهم به رسانه‌ها در پی مختومه کردن پرونده‌ها و کسب رضایت موقتی عموم مردم هستند.

نظریه نفوذ پوپولیسم

امروزه رسانه‌های جمعی به عنوان منبع اصلی اطلاعات در مورد جرم و عدالت کیفری بر دانش عمومی در مورد جرم تأثیر می‌گذارند (دبرینینا^۱، ۲۰۱۷: ۱۲۰) و در مقابل عوام به دلیل این که درک علمی و کارشناسانه از محتوای رسانه‌ای و همچنین شناختی از پدیده مجرمانه ندارند، برآورده شدن احساسات خود را در گرو برخورد‌های خشن و سریع با متهمان می‌دانند. از طرفی نظرهای اعلام شده توسط رسانه‌ها چون به عنوان نظر مردم قلمداد می‌شود، سیاست‌گذاران خود را ملزم به پاسخ فوری به آن‌ها می‌دانند (فرجیها، مقدسی، ۱۳۹۰: ۱۲۹). نکته مهم در مورد نفوذ پوپولیسم در روند دادرسی کیفری این است که در بازنمایی رسانه‌ای از آنجایی که نقطه ثقل تحلیل‌ها و توصیف‌های رسانه‌ای حول قربانی جرم و شرایط ایشان است به همین دلیل «انگیزه، زمینه فعالیت مجرمان کمتر برجسته می‌شود تا با سهولت بیشتری بتوان آن‌ها را به عنوان اهریمن معرفی کرد» (کوهن، ۱۳۹۹: ۳۶). این رابطه دیالکتیک^۲ بین نظر عوام و بازتاب رسانه‌ای منجر به این می‌شود که نگرش‌های پوپولیستی ساده به نگرش‌های پوپولیستی اقتدارگرا^۳ تبدیل شود. در این حالت است که دیگر چیزی جز شدت عمل و برخورد‌های قضایی تهی از اصول قانونی عوام را قانع نمی‌کند.

روش تحقیق

از آنجایی که بازنمایی خود بازخورد ایدئولوژی حاکم بر کارفرمایان اخلاقی جامعه و وسیله بیان این ایدئولوژی است و از طرفی روش بازنمایی مبتنی بر کدگذاری‌هایی برای به‌منصه ظهور رساندن اهداف و سیاست‌های خود است باید در جهت شناخت و اطلاع از رمزگذاری‌های به‌کارگرفته شده، در پی رمزگشایی از طریق تحلیل صداها، متون و تصاویر نمایانده شده از جانب رسانه بود، و لذا در این مقاله از آنجایی که تلاش شده است تأثیر بازنمایی رسانه‌ای پرونده آتنا اصلانی بر دادرسی منصفانه مورد بررسی قرار گیرد از روش تحلیل محتوا^۴ در جهت پی‌بردن به معنای پنهان و رای ظواهر در خروجی رسانه‌ها استفاده شده است. در فرهنگ وبستر، در تعریف تحلیل محتوا آمده است که «تجزیه و تحلیل محتوای

1. Dobrynina
2. Dialectic
3. Authoritarian populism
4. Content Analysis

آشکار و پنهان یک مجموعه از مطالب مخابره شده (مانند یک کتاب یا فیلم) از طریق طبقه‌بندی، جدول‌بندی و ارزیابی نمادها و مضامین کلیدی آن به منظور اطمینان از معنا و تأثیر احتمالی آن است.^۱ تحلیل محتوا به دنبال تحلیل داده‌ها در یک زمینه خاص است که یک گروه یا فرهنگ به آن‌ها نسبت داده است. ارتباطات، پیام‌ها، نمادها با رخدادهای قابل مشاهده، ویژگی اشیا یا افراد متفاوت است و تحلیل محتوا از معنایی فراتر از ظاهر این نمادها و پیام‌ها اطلاع می‌دهد (کریسپندورف^۲، ۱۹۸۹: ۴۰۳). در واقع یک تحلیل‌گر محتوا داده‌ها را نه به عنوان بازنمایی و قایع فیزیکی و ملموس، بلکه به عنوان متون، تصاویر و عباراتی می‌بیند که برای دیدن، خواندن، تفسیر و عمل به معانی آن‌ها ایجاد شده‌اند (کریسپندورف، ۲۰۰۴).

یکی از مراحل تحلیل محتوا نمونه‌گیری است، از آنجایی که نمونه‌گیری به ماهیت پژوهش بستگی دارد (کرو و سمنز^۳، ۱۳۹۴: ۲۶۰) در این پژوهش عمده مصاحبه‌ها، مستندات تلویزیونی و مطالب منتشر شده در روزنامه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است تا بتوان از کدها و پیام‌های سربسته که منتهی به صدور حکم اعدام در کوتاه‌ترین زمان برای بزهکار پرونده شده است رمزگشایی کرد. در قضیه آتنا و تأثیر بازنمایی آن در دادرسی منصفانه باید گفت که از آنجایی که فاکتورهای مهمی همچون جنسیت مونث، کودک بودن قربانی، مرتبط بودن قربانی و بزهکار به یک قوم و چالش‌های حقوق بشری اعدام در کشورمان دخیل بوده‌اند، فاکتورهایی که در قالب صداها، تصاویر و متون کدگذاری شده‌اند باید برای رمزگشایی از آن‌ها و روشن شدن زوایای پنهان آن به زمینه‌های قانونی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز اشاراتی کرد، فلذا به جوانب مهم دادرسی منصفانه از قبیل رسیدگی در مدت معقول، رسیدگی به ادعاهای مقتول در جهت اصل برائت، حفظ آبروی بزهکار و خانواده وی در دادرسی منصفانه پرداخته می‌شود.

در این پژوهش، قضیه آتنا از منظر بازنمایی در رسانه‌ها به صورت خاص در رسانه نوشتاری (روزنامه‌های ابتکار، جام‌جم، شهر وند، دنیای اقتصاد و مهر و...) و رسانه دیداری - شنیداری تلویزیون (مستند آتنا فرشته مغان از شبکه یک و اخبار از شبکه‌های مختلف تلویزیونی) مورد بررسی قرار گرفته است و به دلیل این که مطالب ارائه شده در صفحات شخصی افراد در شبکه‌های اجتماعی در دسترس نبوده است از تحلیل موضوع در این رسانه و سایر رسانه‌ها استفاده نشده است.

یافته‌های تحقیق

عوامل تأثیر گذار بر بازنمایی گسترده قتل آتنا در رسانه‌ها

بازنمایی رسانه‌ای و اقبال آن‌ها برای شنیده شدن و از طرفی جامعه عمل پوشاندن به اهداف کارفرمایان اخلاقی متأثر از عوامل مختلفی است که میزان نفوذ و گیرایی این بازنمایی را

1. <https://www.merriam-webster.com/dictionary/content%20analysis>
2. Krisppendorff
3. Crow & Semmens

مشخص می‌کنند، در پرونده آتنا اصلانی سه عامل کودک بودن آتنا، وقوع جرم جنسی و نحوه قتل وی باعث شد بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های دیداری و نوشتاری داشته باشد. که در ادامه به بررسی مختصر این سه عامل پرداخته می‌شود.

۱. کودک بودن آتنا

کودکان به‌عنوان قشری که در شرایط خاصی قرار دارند و نیازمند حمایت‌های مختلف عاطفی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی هستند همیشه تابع نظام افتراقی^۱ بوده و این افتراق موجب برخورد متفاوت با این افراد شده است. این تفاوت موجب شده است که حساسیت جامعه به این قشر بیشتر از دیگران باشد و قربانی شدن آن‌ها احساسات عمومی را بیشتر از هر کس دیگری جریحه‌دار کند، در مورد بازتابی رسانه‌ای نیز اغلب جرایمی که قربانی آن کودکان هستند از ارزش بیشتری برای پوشش خبری برخوردار هستند (فرجیها، ۱۳۸۵: ۶۵). این گستردگی بازتابی را می‌توان در پرونده‌های جنایی دهه ۹۰ مانند پرونده ستایش قریشی، پرونده بنیتا، پرونده تینا و مینا، پرونده ندا و دها پرونده دیگر که قربانیان آن کودکان بوده‌اند مشاهده کرد. به همین دلیل قتل آتنا شش‌ساله هم بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت.

۲. جرم جنسی

جرائم جنسی در تمامی فرهنگ‌ها به‌خصوص در فرهنگ ملی مذهبی ما دارای قباحت زیادی است و این قباحت خود را به‌گونه‌های مختلفی از شدت مجازات تا انگ خوردن‌های اجتماعی نشان می‌دهد. حال با رشد رسانه‌ها و حساسیت زیاد مردم نسبت به جرائم جنسی و البته گاهی دامن‌زدن به گمانه‌زنی‌های نسنجیده موجب شده است که وقوع این نوع جرائم بیشتر از هر جرم دیگری در اذهان عمومی ماندگاری داشته باشد. به این جهت است که گفته می‌شود جرایمی که دارای ماهیت جنسی هستند اقبال بیشتری برای بازتابی رسانه‌ای دارند (فرجیها، ۱۳۸۵: ۶۶). حال در مورد پرونده آتنا اصلانی به این دلیل که قاتل قبل از کشتن آتنا به وی تعرض کرده بود باعث شده بیشتر از صرف یک قتل در رسانه‌ها بازتاب داشته باشد. وقایعی مانند جنایت قیام‌دشت در سال ۱۳۸۸، واقعه خمینی‌شهر در سال ۱۳۹۰ که ناظر بر وقوع تجاوز بودند از جمله جرائم جنسی هستند که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشتند.

۳. کیفیت قتل

کیفیت قتل‌ها از جمله عواملی است که در میزان بازتابی یک جرم در رسانه‌ها نقش مؤثری دارد. به‌نحوی که قتل‌هایی که با یک کیفیت تکراری اتفاق می‌افتند نه تنها حساسیت عمومی را

برنمی‌انگیزند، بلکه اقبال کمتری برای بازتاب در رسانه‌ها دارند. در مورد قتل آتنا با توجه به این‌که ایشان در حال کمک‌کردن به پدرش بوده و برای رفع تشنگی خود به مغازه قاتل رجوع می‌کند و وی را بعد از تعرض جنسی به قتل می‌رساند و بعد جسد وی را پنهان می‌کند، موجب شد که در رسانه‌ها بازتاب گسترده‌ای داشته باشد، چراکه رسانه‌ها سوژه‌هایی را انتخاب می‌کنند که دارای ابهام و پیچیدگی بیشتر باشد.

بازنمایی رسانه‌ای پرونده آتنا و محکومیت رسانه‌ای

رسانه‌ها برای بازنمایی از آنجایی که در طول سیاست‌های تعریف‌شده در یک حکومت قرار می‌گیرند و کارفرمایان اخلاقی سیاست‌های مدنظر خود را بر آن‌ها تحمیل می‌کنند این سیاست‌ها را برای این‌که به سهولت در اذهان عموم مردم رسوخ کنند و نظر آنان را برای عملیاتی کردن این سیاست‌ها جلب کنند، تکنیک‌های مختلفی را به‌کار می‌گیرند، یکی از مهم‌ترین این تکنیک‌ها "نمادسازی رسانه‌ای"^۱ است، به این معنی که برای توصیف شخصیت‌هایی (که به گفته استنلی کوهن شیاطین شهر هستند) که نظم جامعه را مخدوش کرده‌اند و عامل هراس اخلاقی در جامعه هستند نمادهایی را به‌کار می‌گیرند که بیشترین ظرفیت را برای پذیرش سیاست‌های خشن در جریان محاکمه داشته باشند.

«مطالعات فرهنگی^۲ اصرار دارد که فرهنگ بایستی در درون روابط اجتماعی و نظامی که در آن تولید و مصرف می‌شود، مطالعه شود» (کلنز، ۱۳۹۹: ۱۸۵). حال با بازنمایی رسانه‌ای قتل آتنا اصلانی به دلیل این‌که بخشی از مطالعات فرهنگی ایرانی است، نمادسازی‌ها و سایر جوانب این پرونده باید در بستر^۳ فرهنگی، اجتماعی کشور ایران در نظر گرفته شود. در واقع بازنمایی رسانه‌ای برای این‌که بتواند نظر مردم را به خود جلب کند از نمادهای در قالب صدا، متن، تصویر استفاده می‌کند که آشنا تر و ملموس تر برای مردم باشند تا فرایند حساس سازی^۴ را تسهیل کنند و هراس اخلاقی شدیدی را ایجاد کنند. بقول اسملسر^۵ حساس سازی «موقعیتی مبهم را به خطر بالقوه بسیار قوی عمومی تبدیل می‌کند» (کوهن، ۱۳۹۹: ۱۴۴). در قرن ۲۱ میلادی گسترش رسانه‌های جمعی و تأثیر آن‌ها بر ابعاد مختلف زندگی بشر باعث انجام مطالعات گسترده در مورد رسانه‌ها شده است. مطالعاتی که نشان‌دهنده به‌کارگیری سیاستی توسط رسانه‌ها است که در آن در ورای ظواهر (متن، تصویر، صدا و...)، سیاستی پنهان را که در جهت استقرار و اجرایی کردن سیاست‌های کارگزاران اخلاقی در جامعه است به‌کار

1. Media Symbolization
2. Cultural Studies
3. context
4. Sensitization
5. Smelser

می‌گیرند، چیزی که سات جالی^۱ آن را "سیاست تصویر"^۲ نامید، که اشاره به این رقابت و مبارزه بر سر آنچه در رسانه‌ها بازنمایی می‌شود دارد (هال^۳، ۱۹۹۷: ۲).

در پرونده آتنا اصلانی در مستندها و اخبار تلویزیونی و روزنامه‌ها بارها از نمادهایی چون؛ "شیطان"^۴، "گرگ، خیانتکار، دیو، ظالم"^۵، "جنایتکار"^۶، "موجود انسان‌نما، شباد"^۷، "شمر زمان"^۸ و... استفاده شد. نمادهایی که ریشه در فرهنگ ایرانی و مذهبی ما دارند و در ادبیات ما جایگاه خاصی برای این نمادها، برای توصیف شخصیت‌ها در نظر گرفته شده است، به نحوی که می‌توان گفت تمامی مردم ایران فرجام چنین شخصیت‌ها و نمادهایی را به دلیل آشنایی با فرهنگ کشور می‌دانند. در اینجاست که متولیان رسانه فراتر از توهین‌ها و انگ‌هایی که به متهم پرونده آتنا اصلانی زده‌اند و دارای عناوین مجرمانه‌ای چون توهین در قوانین کیفری ما است، در پی سامان‌بخشیدن به حمله عظیمی از افکار عمومی برای به کرسی نشاندن سیاست کارفرمایان اخلاقی جامعه برای محکومیت فرد متهم بوده‌اند. نمادهای به‌کار گرفته شده در رسانه‌ها در مورد این پرونده چنین مفهومی را به ذهن مخاطب القا می‌کنند که این فرد متهم راهی جز از بین رفتن و کشتن برایش باقی نیست چرا که برای مثال شیطان با توجه به منابع دینی در نظر مسلمانان منفور است (رجب‌زاده طهماسبی، ۱۳۹۴: ۳۹) و مورد لعن خداوند قرار گرفته است (آیات ۳۴-۳۷ سوره حجر) و یا شمر در فرهنگ مذهبی ما منفورترین انسان‌هاست چرا که در روز عاشورا امام حسین (ع) را به شهادت رسانده است و عاقبت وی کشته شدن به دلیل فسادی است که بر روی زمین انجام داده است. بنابراین نمادهای به‌کار گرفته شده در رسانه‌ها جریان دادرسی را به سمت وسوی عاقبت این نمادها در فرهنگ ملی و مذهبی ما سوق داده است، به نحوی که در مستند "آتنا فرشته مغان" که در شبکه یک سیما در تلویزیون قبل از شروع محاکمه متهم تولید شد خبرنگار صداوسیما از عبارت «گرگ باید مجازات شود، هر چه زودتر، همه گرگ‌ها» و «آتنا دست گرگ گرفتار شده بود» استفاده کرد. همچنین در ابتدای شروع این مستند و در طول پخش آن صدای زوزه گرگ طنین‌انداز می‌شود. این نماد به‌کار گرفته شده را اگر در بستر فرهنگی ایران تفسیر کنیم باید بگوییم که گرگ از آنجایی که اهلی نمی‌شود و در صورت نکشتن آن خسارت‌های دیگری را برای انسان‌ها به وجود می‌آورد باید کشته شود. و در همین برنامه خبرنگار از جمله «خدایا پناه می‌بریم به تو از شر شیطان و از شر نقاب‌ها» استفاده کرد. در اینجاست که تقابل "فرشته و شیطان"

1. Sut Jhally

2. The politics of the image

3. Hall

4. <http://www.ensafnews.com/68998/>

6. <https://www.yjc.ir/fa/news/6163419/>

7. <https://www.roshangari.ir/video/49412>

8. <https://www.aparat.com/v/ANzS3>

۵. در مستند آتنا فرشته مغان از شبکه یک سیما.

به نمایش گذاشته می‌شود، تقابلی که منتهی به کشتن فرشته توسط شیطان شده است. همچنین در این مستند، هم‌صدایی مردم برای اعدام قاتل به تصویر کشانده می‌شود. در چندین مستند و گزارشی که در مورد قتل آتنا ساخته شد از ویدئو ایفکت‌ها^۱ در نمایش چهره متهم استفاده شده که هدف جلوه‌دادن یک انسان متفاوت و انسانی مستحق مجازات شدید است؛ این در حالی است که هنوز وی در پناه اصل برائت بوده است. بنابراین رسانه در این پرونده قبل از آن‌که به صورت رسمی در مورد محکومیت متهم از جانب مقامات ذی صلاح اظهارنظری صورت گیرد قائل به محکومیت شخص متهم بوده‌اند، این محکومیت را که نتیجه اجرای سیاست‌های کارفرمایان اخلاقی جامعه از طریق ساختن نمادها و متعاقب آن ایجاد هراس در جامعه قبل از اظهار رسمی مقامات قضایی ذی صلاح در مورد پرونده است را باید "محکومیت رسانه‌ای"^۲ نامید. این فرایند رسانه‌ای محکومیت خود دارای توالی فاسد دیگری در جهت خدشه‌دارکردن دادرسی منصفانه بوده است. از جمله این توالی فاسد باید به انتشار نام، آدرس محل سکونت و کار وی، تصویر و دیگر مشخصات شخص متهم به صورت گسترده در رسانه‌های دیداری و شنیداری اشاره کرد؛ امری که به موجب ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ممنوع است.

تلاش رسانه برای مجرم نشان‌دادن شخصی که هنوز در پناه اصل برائت است بدون تردید اقدامی خلاف مقررات قانونی در جهت بی‌طرفی و اصل برائت است. فارغ از این‌که نفس عمل انجام‌گرفته مخالف اصل برابری سلاح‌ها در دادرسی کیفری است اما از آنجایی که دستگاه قضایی خود قسمتی از عموم است و از طرفی با ایجاد التهاب‌های رسانه‌ای انتظارات از دستگاه قضا برای رسیدگی به این پرونده و محکومیت شخص متهم بیشتر شد، بدون تردید در تصمیم‌گیری دستگاه قضایی در مورد به‌کارگیری معیارهای دادرسی منصفانه اثرگذار بوده است.

بازنمایی رسانه‌ای پرونده آتنا به‌مثابه عاملی برای تحمیل دادرسی حداقلی

"دادرسی حداقلی"^۳ را باید دادرسی دانست که در آن یا اصلی از اصول دادرسی نادیده انگاشته می‌شود و یا یک اصل به‌طور تمام و کمال مورد توجه نظام کیفری قرار نمی‌گیرد. حال سؤال این است که چه عواملی باعث شده است دادرسی منصفانه در نتیجه بازنمایی رسانه‌ای قتل آتنا از حالت کمال خود که مدنظر مقررات آیین دادرسی است (به‌خصوص مواد ۲ تا ۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲) به یک دادرسی حداقلی تنزل پیدا کند؟ در این باره نقش دو عامل مهم در بازنمایی و تأثیرگذاری آن‌ها در دادرسی منصفانه بسیار پررنگ است. یکی تأثیرپذیری و تأثیرگذاری مقامات رسمی در بازنمایی است و دیگری اقناع وجدان عمومی و عوام‌گرایی کیفری است که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

1. Video Effects
2. Conviction by Media
3. Minimal proceedings

۱. بازنمایی رسانه‌ای پرونده آتنا و نقش مقامات رسمی در دادرسی منصفانه

گاهی رسانه‌ها فقط انعکاس دهنده سیاست‌های سیاست‌گذاران پس‌پرده نیستند، بلکه گاه نظرات مقامات رسمی حکومت‌ها را به‌صورت واضح بیان می‌کنند و این نحوه بازنمایی به‌مراتب بیشتر از حالتی که فقط رسانه‌ها انتقال‌دهنده سیاست‌های کارفرمایان اخلاقی بدون به‌تصویر کشاندن آنان هستند مؤثر است. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد رسانه‌ها به‌شدت به منابع مجری قانون به‌عنوان گزارش‌تکیه می‌کنند (بکشی و هینی، ۲۰۱۸: ۲). چنین پوشش رسانه‌ای نه‌تنها مشروعیت بازنمایی رسانه‌ای را در اذهان عموم بالا می‌برد و منجر به‌نوعی مقبولیت گفتمان رسانه‌ای می‌شود بلکه باعث می‌شود در یک بازنمایی نامتوازن حقوق شخصی متهم نادیده‌انگاشته شود (بکشی و هینی، ۲۰۱۸: ۲). همان‌گونه که تأکید زیاد بر خطر جرم و بزرگ جلوه‌دادن برخی از جرایم باعث افزایش حمایت‌های سیاسی از رویکردهای اقتدارگرایانه برای حل بحران افزایش جرم و سوق‌دادن به سمت ایدئولوژی امنیت‌گرا می‌شود (فرجیها، ۱۳۸۵: ۶۹) التهاب‌های ایجادشده توسط رسانه‌ها موجب می‌شود حمایت‌های آشکار و پنهانی از رسانه‌ها در جهت بازنمایی جرایم خاص و در نتیجه به‌کارگیری یک دادرسی حداقلی که در آن کمیت و یا کیفیت اصول دادرسی مورد تعرض است صورت گیرد.

در پرونده آتنا بازتاب مکرر مصاحبه‌ها و گزارش‌گرفتن از مقامات رسمی حکومت همچون سخنگوی قوه قضاییه، استاندار اردبیل، ابلاغ‌های ریاست قوه قضاییه توسط دادستان مرکز استان اردبیل، ابلاغ‌های ریاست جمهوری توسط وزیر رفاه و استاندار، سخنان امام جمعه پارس‌آباد و دیگر مقامات رسمی نه‌تنها مغایر با اصل بی‌طرفی بوده است بلکه رسانه‌ها را برای بازنمایی‌های که به‌شدت دادرسی منصفانه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند ترغیب کرده است. چراکه رسانه‌ها پشتوانه محکمی را برای اعمال سیاست‌های خود دارا هستند. در ادامه به نمونه‌هایی از اظهارات مقامات در رسانه‌ها و بازتاب گسترده آن‌ها اشاره می‌شود:

دادستان [وقت] شهر پارس‌آباد در قسمتی از گفت‌وگوی خود در مستند "آتنا ای ایران" که در شبکه مستند پخش شد بیان داشتند:

خودم را عزادار این موضوع می‌دانستم به‌خاطر همین به‌شخصه سیاه‌پوش شدم. این سیاه‌پوشی هم مثل این‌که عزیزی را از دست داده‌ام..... این دختر خانم را فرزند معنوی خود می‌دانم.

معاون اول رئیس‌جمهور [وقت] نیز بیان داشت:

بدون تردید رسیدگی فوری به این جنایت هولناک و مجازات قاطع جنایتکار این فاجعه توسط قوه قضاییه موجب کاهش آلام مردم صبور ایران به‌ویژه خانواده آتنا بی‌گناه و عزیز خواهد شد.^۲

1. Bakhshay & Haney

2. <https://jamejamonline.ir/fa/news/1051264/>

وزیر کشور [وقت] نیز بیان داشت:

واکنش دستگاه‌های مسئول به این حادثه می‌بایست متناسب با این وضعیت، فوق‌العاده و اقلع‌کننده و افکار عمومی در سراسر کشور باشد.^۱

رضا شیران عضو کمیسیون اجتماعی [وقت] مجلس در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر در راستای قتل آتنا از ارائه‌ی طرحی به مجلس در مورد مفسد فی الارض دانستن افرادی نظیر قاتل آتنا خبر داد.^۲ این تلاش مجلس و بازتاب آن در رسانه‌ها بدون تردید به معنای این است که چنین وقایعی مستحق شدیدترین مجارت یعنی اعدام هستند که برای جرم افساد فی الارض در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر شده است.

فارغ از این‌که این گفته‌ها ممکن است در راستای آرام‌کردن جو ملتهب شهر پارس‌آباد بوده باشد اما از آنجایی که یک مقام رسمی صلاحیت‌دار در چنین مواردی بایستی رعایت انصاف و عدالت را می‌کرد این عمل با بازنمایی که از جانب رسانه‌ها به عمل آمد نشان از نوعی جانب‌داری است که در بازنمایی رسانه‌ای دامنه‌ی آن به مراتب گسترده‌تر و تأثیر آن بیشتر می‌شود. در واقع تأکید این مقامات بر رسیدگی "فوری" و التهاب به وجود آمده توسط رسانه‌ها متعاقب این اظهار نظرهای مقامات رسمی بدون تردید در رسیدگی فوری این پرونده که در حدود یک ماه و در یک جلسه چهار ساعته منتهی به صدور رأی شده حکایت از یک دادرسی حداقلی دارد. دادستان پارس‌آباد در مستند تلویزیونی "آتنای ایران" بیان کرد که دادگستری استان و شهرستان از ابتدا در پی این بود که پرونده در کمترین زمان به فرجام برسد.

کارفرمایان اخلاقی انتظار دارند که رسانه‌ها با پوشش و بازنمایی خود افکار عمومی را قانع کنند که در کوتاه‌ترین زمان ممکن پرونده را به فرجام برسانند. فلسفه‌ای که پشت این سیاست کارفرمایان اخلاقی و رسانه‌ها نهفته است نه تنها ایجاد حس رضایت در مردم بلکه فرصت اندیشیدن به ریشه‌ها و علل و عوامل به وقوع پیوستن چنین جرایمی را از عوام می‌گیرند.

در پرونده آتنا اصلانی و چگونگی بازنمایی آن و تأثیرگذاری این بازنمایی بر دادرسی منصفانه نمی‌توان از دولتی بودن رسانه‌ها در ایران غافل ماند، چراکه میزان آزادی تحلیل و قربات با واقعیت اخبار در کشورهای مختلف بستگی به میزان وابستگی به دولت‌ها دارد. از آنجایی که در کشور ما اغلب رسانه‌ها دولتی هستند لاجرم تابع سیاست‌های تحمیلی اند و به این دلیل توان خود را بیشتر از این‌که بر تحلیل ریشه‌های جرم ارتكابی مانند کودک‌کارت بودن، مراقبت از کودکان، سامان‌دهی بیماران روانی در کشور و ... بگذارند به توصیف واقعه مجرمانه پرداختند. البته رسانه‌ها طبق پژوهش‌های انجام‌گرفته بیشتر به توصیف می‌پردازند نه به تحلیل

1. <https://donya-e-eqtasad.com>

2. <https://www.google.com/amp/s/www.mehrnews.com/amp/4053616/>

علل و عوامل وقایع مجرمانه (فرجیها، ۱۳۸۵: ۷۱، آقای، ۱۳۹۷: ۲۴۳). حال این موج عظیم رسانه‌ای دولتی که هیچ رقیبی برای آن در جهت تعدیل و تغییر نگرش وجود نداشته است ابعاد یک دادرسی را که باید متصف به منصفانه بودن باشد را تحت تأثیر قرار داده است. البته در کنار رسانه‌های رسمی از رسانه‌های غیررسمی که فضای مجازی در اختیار مردم قرار داده است در مورد این پرونده نمی‌توان چشم‌پوشی کرد به‌گونه‌ای که موج عظیمی از نگاه‌های احساسی و هیجانی در شبکه‌های اجتماعی از جانب هنرپیشگان و ورزشکاران و به عبارتی سلبریتی‌ها به جریان انداخته شد که در تحت تأثیر قرار دادن مقامات قضایی صلاحیت‌دار در جهت دادرسی حداقلی تأثیرگذار بوده است.

۲. افتاع وجدان عمومی به‌مثابه نقض دادرسی منصفانه در بازنمایی رسانه‌ای قتل آتنا

پوپولیسیم کیفری به فرایندی گفته می‌شود که در آن سیاست‌مداران سیاست‌های کیفری تنبیهی را که "توده‌پسند" باشند طراحی می‌کنند. امری که هدف از آن بیش از آن‌که بهبود وضعیت جرم و عدالت باشد برای کسب آرای بیشتر در انتخابات است (دبرینینا، ۲۰۱۷: ۹۸). حال با گسترش رسانه‌های جمعی این فرایند پوپولیستی در دنیای امروز بیشتر در بستر رسانه‌ها رخ می‌دهد. رسانه‌هایی که سوژه‌های خاص را به تصویر می‌کشند و با نوع روایتگری خاص در مورد این سوژه‌ها و برانگیختن احساسات و ایجاد هراس اخلاقی در مردم نظرشان را برای واکنش نشان دادن به آن جلب می‌کنند. در واقع نوآوری در فناوری و سبک زندگی تغییراتی در ساختار رسانه‌های مدرن به وجود آورده است که موجب شده عموم مردم به پوشش رسانه‌ای دراماتیک (نمایشی)^۲ و ضد متهم توجه کنند و بیشتر تحت تأثیر آن قرار گیرند (تسلیتز، ۲۰۱۱: ۱۲۸۷). در این مرحله است که ذهنیت خاصی در مورد جرم و شخص متهم در مردم ایجاد می‌شود. ذهنیتی که در واقع پر از ابهام و نقاط تاریک است. اما از آنجایی که در فرایند بازنمایی عامه‌پسند جلوه داده شده است مردم خواهان عملیاتی کردن این ذهنیت توسط دستگاه عدالت کیفری هستند. در واقع شکل‌گیری افکار عمومی در مورد جرم و انتظار مردم از دستگاه عدالت کیفری تحت تأثیر رسانه‌ها، مطالبات امنیتی شهروندان را موجب می‌شود و در اینجاست که دولت مردان عوام‌گرا با اقدام‌هایی چون برگزاری سریع محاکمه‌ها و اجرای سریع مجازات در پی پاسخ دادن به افکار عمومی هستند (لازرژ، ۲۰۰۰: ۴۷). بنابراین اگر خطر جدی یک دادرسی غیرمنصفانه از نظر عاطفی و پوشش رسانه‌ای ضد متهم وجود داشته باشد بدون شک خطر جدی صدمه زدن به آبروی متهم قبل از محاکمه وجود دارد (تسلیتز، ۲۰۱۱: ۱۲۹۴).

1. Popular
2. Dramatic
3. Taslitz
4. Lazerge

در بازنمایی رسانه‌ای پرونده آتنا بیش از هر چیز به "نظر مردم" پرداخته شد؛ به گونه‌ای که در بعضی از مستندها و گزارش‌های تلویزیونی ساخته شده فقط به نظر مردم پرداخته شده است. در یکی از این گزارش‌ها گزارشگر از مردم پرسید «به نظرت چه برخوردی لازم است با این فرد بشود؟» و پاسخی که مردم دادند به این شرح اعلام کرد: ۱. کمترین مجازات سنگسار یا اعدام؛ ۲. به بدترین وجه کشته شود؛ ۳. اعدام خیلی کم است؛ ۴. اشد مجازات؛ ۵. راستش من در مخیله‌ام هرچقدر به مجازات فکر می‌کنم باز هم کوچک است؛ ۶. همین کار را با خودش یا خانواده وی کنند یا تکه تکه اش کنند و ... در این گزارش گزارشگر به نوعی در پی ترغیب مردم به پذیرفتن و مطالبه مجازات اعدام از جانب مردم بود و چنین پیامی را بیان می‌کرد که نه تنها در مورد این پرونده بلکه در موارد مشابه نیز مجازات اعدام اجرا شود. چنین ترغیبی بدون تردید نوعی "جبرگرایی رسانه‌ای" است که دادرسی کیفری را از منصفانه بودن خارج می‌کند. در بعضی از روزنامه‌ها (شهروند) از تیتراژ "دادخواهی ملی برای آتنا" استفاده شد و در قریب به اتفاق گزارش‌ها و مستندهای تلویزیونی رسیدگی به این پرونده را در راستای مطالبه مردم عنوان کرده‌اند که به بعضی از این اظهارات پرداخته می‌شود:

رئیس قوه قضائیه [وقت] در پیامی با ابراز تأسف از وقوع این جنایت با تأکید بر رسیدگی سریع و خارج نوبت آن را موجب تسلی آلام خانواده داغدار و مردم شریف منطقه دانستند (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۶/۰۴/۲۴).

وزیر کشور [وقت] در پیامی ضمن اظهار تأسف بیان داشتند که «واکنش دستگاه‌های مسئول به این حادثه باید فوق‌العاده اقناع‌کننده افکار عمومی در سراسر کشور باشد» (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۶/۰۴/۲۶).

مصاحبه یک استاد جامعه‌شناسی با روزنامه ابتکار (در تاریخ ۱۳۹۶/۰۴/۲۴):

«...قانون در چنین مواردی باید به صورت استثنا به پرونده نگاه کند، ناراحت شدن مردم و جریحه دار شدن آن‌ها بار مسئولیت قانون را سنگین می‌کند و باید انتظار داشت که قانون اقدام‌های فوری انجام دهد».

تأکید رسانه‌های دیداری و شنیداری بر واژگانی چون "مردم"، "خواست مردم"، "مطالبه مردم"، "امنیت مردم"، "تشفی خاطر شهروندان" و ... نشان از نوعی پوپولیسم کیفری دارد که بدون تردید بازتاب گسترده آن‌ها موجب شد که مسئولان قضایی در پرونده آتنا به آن استناد کرده و رسیدگی فوری، تسریع در صدور حکم و علنی بودن اجرای حکم را نتیجه افکار عمومی بدانند.

1. <https://www.roshangari.ir/video/49412>
2. Media determinism
3. https://www.shahrvand-newspaper.ir/Modules/News/PrintVer.aspx?Src=Main&News_Id=105872
4. <https://www.mehrnews.com/news/4031335/>
5. <https://donya-e-eqtesad.com/>
6. <https://ebtekarnews.com/?newsid=81844>

نتیجه گیری

قتل آتنا اصلانی به دلیل برخوردار بودن از شرایط خاصی چون کودک بودن، وقوع جرم جنسی قبل از قتل و ... در رسانه‌های دیداری و شنیداری بازتاب گسترده‌ای داشت. این بازتاب گسترده نتیجه‌هراسی است که کارفرمایان اخلاقی جامعه برای پوشاندن خطاهای خود دامن زده‌اند. حال از همان ابتدای شروع بازنمایی، رسانه‌ها با نمادسازی‌هایی که در فرهنگ کشور ما دلالت بر توحش و استحقاق مجازات مرگ دارند تقابل "فرشته و شیطان" را به نمایش گذاشتند، در این فرایند بازنمایی از نمادهایی چون "گرگ"، "شیطان"، "شمر زمان" و ... در مورد متهم پرونده استفاده شده که با رمزگشایی از این نمادها دلالت ثانوی یعنی "استحقاق مرگ" به نمایش گذاشته شد، در واقع "محکومیت رسانه‌ای" متهم از طریق رمزگذاری توسط نمادهایی مختلف رقم خورد. بنابراین این محکومیت رسانه‌ای موجب شد که دادرسی منصفانه به یک دادرسی حداقلی تقلیل یابد؛ چراکه یکی از مهم‌ترین اصول دادرسی منصفانه یعنی اصل برائت در این بازنمایی نادیده انگاشته شد. گرچه رسانه‌ها در روایتگری خود آزاد هستند و این رویکرد در دنیای امروز در حال گسترش است ولی میزان آزادی رسانه‌ها بسته به دولتی یا خصوصی بودن آن‌ها متفاوت است و از آنجایی که رسانه‌ها در ایران اغلب دولتی‌اند روایتگر سیاست‌های دولت هستند، و در مورد موضوعات قضایی چون پرونده قتل آتنا قریب به اتفاق رسانه‌های نوشتاری و دیداری در پی توصیف واقعه بدون به تحلیل گذاشتن موضوع از منظر علمی و قانونی و تنها از دیدگاه عوام بودند، از طرفی به دلیل نبود آزادی فراگیر رسانه‌ای در ایران متهم وکیل وی به استثنای چندین اظهار نظر کوتاه در مستندهای ساخته شده در تلویزیون و اظهارات انگشت‌شمار وکیل متهم در روزنامه‌ها مورد پوشش رسانه‌ای قرار نگرفتند.

در این بازنمایی نقش دو عامل نفوذ صاحبان قدرت و پوپولیسم کیفری هویدا است، صاحبان قدرت با تحت تأثیر قرار گرفتن از رسانه‌ها و از طرفی خط دادن به رسانه‌ها برای پیاده کردن سیاست‌های خود و تأکید بر رسیدگی فوری و اعمال اشد مجازات و پوپولیسم کیفری با بیان مسائل ساده‌انگارانه در مورد این قتل و مطالبه‌گری در مورد اجرای شدیدترین مجازات، رسانه‌ها را از پشتوانه محکمی برای بازنمایی در جهت تحت تأثیر قرار دادن جریان دادرسی کیفری ترغیب کردند تا پرونده مزبور در سریع‌ترین زمان و با نقض بیشترین اصول از دادرسی منصفانه با اعدام قاتل مختومه شود.

پرونده قتل آتنا به‌عنوان بنیان یک رویکرد سختگیرانه رسانه‌ای و مبتنی بر نظریه تسامح صفر^۱ است. در واقع بازنمایی رسانه‌ای این جرم نه فقط برای نمایش جرم اتفاق افتاده و تحمیل سیاست‌های سختگیرانه از جانب صاحبان قدرت و کارفرمایان اخلاقی است، بلکه

1. Narration
 2. Zero Tolerance

پایه‌گذار سیاستی است که کارفرمایان اخلاقی از طریق رسانه‌ها سیاست‌های خود را برای سرپوش نهادن بر کاستی‌های خود، راحت‌تر و به استناد یک پیشینه موفق (پرونده آتنا) از اعمال سیاست مشابه به سرانجام برسانند. در واقع بازنمایی گسترده قتل آتنا به مثابه الگویی برای دادرسی‌های حداقلی بعدی و نادیده‌گرفتن اصول مهم دادرسی چون اصل برائت، اصل برابری سلاح‌ها، اصل حفظ آبروی متهم و ... در موارد مشابه است.

منابع

- آزادی احمدآبادی، قاسم (۱۴۰۲). ارزیابی سیاست‌های حوزه رسانه در ایران. رسانه، ۳۴(۲)، ۲۷-۵۳.
doi: 10.22034/bmsp.2022.317814.1659
- آقایی، سارا (۱۳۹۷). تحلیل جرم در جرم‌شناسی فرهنگی. تهران: نشر میزان.
- الله‌وردی، فرهاد و فرجیها، محمد (۱۳۹۳). جرم‌انگاری رسانه‌ای: رمزگذاری و رمزگشایی مستند شوک. مجله جهانی رسانه - نسخه فارسی، ۱(۱)، ۱-۱۷.
- اشرفی، ارسلان (۱۳۹۸). اصل تساوی سلاح‌ها در حقوق ایران با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲. تمدن حقوقی، ۲(۲)، ۲۱-۴۳.
- باشگاه خبرنگاران جوان، تاریخ دسترسی: ۱۵/۱۰/۱۴۰۱. به آدرس: <https://www.yjc.ir/fa/news/6163419/>
- پایگاه خبری انصاف نیوز، تاریخ دسترسی: ۱۷/۱۰/۱۴۰۱. به آدرس: <http://www.ensafnews.com/68998/>
- پایگاه خبری روشن‌گری، تاریخ دسترسی: ۱۲/۱۰/۱۴۰۱. به آدرس: <https://www.roshangari.ir/video/49412>
- پرسدی، مایک (۱۳۹۶). جرم‌شناسی فرهنگی و کارناوال جرم. ترجمه رویا آسیایی. تهران: نشر میزان.
- تارنمای آپارات. تاریخ دسترسی: ۱۶/۱۰/۱۴۰۱. به آدرس: <https://www.aparat.com/v/ANzS3>
- خالقی، علی (۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری. جلد یک. تهران: نشر شهردانش.
- خبرگزاری مهر، تاریخ دسترسی: ۱۲/۱۰/۱۴۰۱. به آدرس: <https://www.google.com/amp/s/www.mehrnews.com/amp/4053616/>
- خبرگزاری مهر، تاریخ دسترسی: ۱۵/۱۰/۱۴۰۱. به آدرس: <https://www.mehrnews.com/news/4031335/>
- دیباچی، سید محمدعلی و رئیس میرزایی، زهرا (۱۳۹۰). پرداختن به فلسفه رسانه. مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، ۲(۲)، ۴۹-۶۵.
- رجب‌زاده طهماسبی، علی (۱۳۹۴). بازنمایی شیطان در رسانه ملی بر اساس آموزه‌های اسلامی (موردکاوی: سریال‌های اغماء و او یک فرشته بود). مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، ۵(۲)، ۳۹-۵۴.
- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۷). حضوری بودن محاکمه و استثنائات وارد بر آن در دیوان کیفری بین‌المللی. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۲(۹)، ۱۵۵-۱۸۲. <https://doi.org/10.22124/jol.2018.8417.1388>
- روزنامه ابتکار. تاریخ دسترسی: ۱۳/۱۰/۱۴۰۱. به آدرس: <https://ebtekarnews.com/?newsId=81844>
- روزنامه جام‌جم آنلاین، تاریخ دسترسی: ۱۱/۱۰/۱۴۰۱. به آدرس: <https://jamejamonline.ir/fa/news/1051264>
- روزنامه دنیای اقتصاد. تاریخ دسترسی: ۱۱/۱۰/۱۴۰۱. به آدرس: <https://donya-e-eqtasad.com>
- روزنامه شهروند. تاریخ دسترسی: ۱۴/۱۰/۱۴۰۱. به آدرس: https://www.shahrvand-newspaper.ir/Modules/News/PrintVer.aspx?Src=Main&News_Id=105872
- شبکه مستند. تاریخ دسترسی: ۱۰/۱۰/۱۴۰۱. به آدرس: <https://www.doctv.ir/program/155595>

شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۱). اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری. نشریه مجتبع آموزشی عالی قم، ۴(۳)، ۶۵-۸۸.

فرجیها، محمد (۱۳۸۵). بازتاب رسانه‌ای جرم. رفاه اجتماعی، ۶(۲۲)، ۵۷-۸۶.

فرجیها، محمد و مقدسی رویین، محمد باقر (۱۳۹۰). رویکرد عوام‌گرایی کیفری به جرائم جنسی (مطالعه تطبیقی). پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۵(۲)، ۱۱۳-۱۳۲.

کوهن، استنلی (۱۳۹۹). شیاطین شهر و هراس اخلاقی ساخته‌شدن مادها و راکرها. ترجمه اسماعیل یزدان‌پور، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

کلنر، داگلاس (۱۳۹۹). مطالعات فرهنگی، چندفرهنگی و فرهنگ رسانه‌ای. ترجمه ایمان خدابنده بایگی. جامعه فرهنگ رسانه، ۹(۳۴)، ۱۸۳-۲۰۵.

کرو، لین و سمزن، ناتاشا (۱۳۹۴). پژوهش جرم‌شناسی. ترجمه آزاده واعظی. تهران: نشر میزان.

لازرز، کریستین (۱۴۰۰). درآمدی بر سیاست جنایی (دیباچه ویراست سوم). ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: نشر میزان.

مانی‌فر، محمدرضا و هوسبیان، موشق (۱۴۰۲). جایگاه، رسالت و مسئولیت اجتماعی صدای جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه دست‌اندرکاران. رسانه، ۳۴(۱)، ۱۴۳-۱۶۶. doi: 10.22034/bmsp.2022.348139.1749

محمدعلی‌زاده اشکلک، حبیب و رشیدی، یاسر (۱۳۹۹). بررسی اصول دادرسی متصفانه در محاکم کیفری با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲. آموزه‌های حقوقی گواه، ۶(۱)، ۱۵۳-۱۷۶. <https://doi.org/10.30497/leg.2020.2809>

میرخلیلی، سید محمود و عزیزی، سمیه (۱۳۹۸). بررسی آثار بازتابی جرم در اخبار و گزارش‌های رسانه‌ای با تأکید بر پیشگیری از جرم. ره یافت پیشگیری از جرم، ۲(۳)، ۶۹-۸۸.

Allahverdi, F., & Farjiha, M. (2013). Media criminology: encoding and decoding the shock documentary. *The Global Network of Communication Scholars*, 9(1), 1-17. [In Persian]

Ashrafi, A. (2019). The Principle of Equality of Arms in Iranian Law with Emphasis on the Code of Criminal Procedure Adopted in 2013. *Legal Civilization*, 2(2), 21-43. [In Persian]

Aghaei, S. (2018). *Crime analysis in cultural criminology*. Tehran: Mizan publication. [In Persian]

Azadi ahmadabadi, G. (2023). Evaluation of Media Policies in Iran. *Rasaneh*, 34(2), 27-53. [In Persian] doi: 10.22034/bmsp.2022.317814.1659

Dibaji, S. M. A., & Reismirzai, Z. (2012). Discussing the Philosophy of Media. *Interdisciplinary Studies in Media and Culture*, 1(2), 49-65. [In Persian]

Baradaran Baughman, Sh. (2011). Restoring the Presumption of Innocence. *Ohio State Law Journal*, 72(4), Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1757624>.

Beale, S. (2006). The News Media's Influence on Criminal Justice Policy: How Market Driven News Promotes Punitiveness. *William and Mary Law Review*, 48, 397-418.

Bakhshay, sh., & haney, C. (2018). the media's impact on the right to a fair trial: a content analysis of pretrial publicity in capital cases. *psychology, public policy and law*, 24, 326-340. 10.1037/law0000174.

Dobrynina, M. (2017). The Roots of Penal Populism: The Role of Media and Politics. *Kriminologijos studijos*, 4, 98-124. <https://doi.org/10.15388/CrimLithuan.2016.4.10729>

Crow, L., & Semmens, N. (2015). *researching Criminology*. translated by Azadeh Vaezi. Tehran: Mizan publication. [In Persian]

Cohen, S. (2019). *Folk devils and moral panics: the creation of the Mods and Rockers*. Translated by Esmail Yazdanpour. Tehran: Culture, Art and Communication Research Institute Publications. [In Persian]

Farajih, M., & Moghdasi Roein, M. B. (2011). Criminal populism approach to sexual crimes (comparative study). *Comparative Law Quarterly*, 15(2), 113-132. [In Persian]

- Farajiha, M. (2006). The Media Reflection of Crime. *Social Welfave*, 6(22), 57-86. **[In Persian]**
- Ferrell, J. (1997). *cultural criminology*. symbolic interaction - Symb interact.
- Hall, S. (1997). representation & the media, media education foundation, in:
<https://www.mediaed.org/transcripts/stuart-hall-representation-and-the-media-transcript.pdf>
- Fursich, E. (2010). Media and the representation of Others. *International Social*, 61(199), 113-130. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2451.2010.01751.x>
- Khaleghi, A. (2016). *Criminal procedure*. volume one. Tehran: Shahrdanesh publication. **[In Persian]**
- Kellner, D. (2020). cultural studies, multiculturalism, and media culture. translated by iman khodabandeh bygee. *society culture media*, 9(34), 183-205. **[In Persian]**
- Krippendorff, K. (2004). *Content Analysis: An Introduction to Its Methodology* (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage. <https://doi.org/10.1177/1094428108324513>
- Krippendorff, k. (1989). content analysis. in e. Barnouw, g. Gerbner, w. Schramm, t. l. worth, & l. gross (eds.), *international encyclopedia of communication*. 1, 403-407. New York, NY: oxford university press. retrieved from http://repository.upenn.edu/asc_papers/226.
- Lazerge, Ch. (2021). *An introduction to criminal policy* (preface to the third edition). translated by Ali Hossein Najafi Abrandabadi. Tehran, Mizan Publications. **[In Persian]**
- Manifar, M., & Hovsepyan, M. (2023). Position, Mission and Social Responsibility of Islamic Republic of Iran Broadcasting from Stakeholders Point of View. *Rasaneh*, 34(1), 143-166. **[In Persian]**
[doi: 10.22034/bmsp.2022.348139.1749](https://doi.org/10.22034/bmsp.2022.348139.1749)
- McRobbie, A., & Thornton, S. L. (1995). Rethinking "moral panic" for multi-mediated social worlds. *British Journal of Sociology*, 46(4), 559-574. <https://doi.org/10.2307/591571>
- Mirkhalili, S. M., & Azizi, S. (2018). Investigating the effects of crime representation in news and media reports with an emphasis on crime prevention. *Crime Prevention Approach*, 2(3), 69-88. **[In Persian]**
- Mohammad Ali Zadeh Eshkelak, H., & Rashidi, Y. (2020). Investigation of the principles of fair trial in criminal courts according to the Criminal Procedure Code of 1392. *Legal Educations Govah Bi-quarterly*, 6(1), 153-176. **[In Persian]**
<https://doi.org/10.30497/leg.2020.2809>
- Presdee, M. (2017). *Cultural criminology and the carnival of crime*. translated by Roya Asiaei. Tehran: Mizan publication. **[In Persian]**
- Ramazani Gh, M. H. (2018). The Presence of the Trial and the Exceptions Imposed on it by the International Criminal Court. *Criminal Law Research*, 9(2), 155-182. **[In Persian]**
<https://doi.org/10.22124/jol.2018.8417.1388>
- RajabzadeTahmaseb, A. (2015). Devil Representation in the Media Based on Islamic Teachings. *Interdisciplinary Studies in Media and Culture*, 5(2), 39-54. **[In Persian]**
- Shams Nateri, M. E. (1381). The principle of innocence and cases of deviation from it in criminal law. *Journal of Qom Higher Education Complex*, 4(3), 65-88. **[In Persian]**
- Taslitz, A. (2011). the incautious media, free speech, and the unfair trial: why prosecutors need more realistic guidance in dealing with the press. *The Hastings law journal*, 62(5).
<https://www.studysmarter.us/explanations/social-studies/the-media/media-representations/>
<https://www.fairtrials.org/the-right-to-a-fair-trial/>
<https://www.merriam-webster.com/dictionary/content%20analysis>
<https://media-studies.tki.org.nz/teaching-media-studies/media-concepts/representation>